

ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی

(مطالعه موردی: بخش دیلمان - شهرستان سیاهکل)^۱

بهرام کریمی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
سیدعلی بدری* - دانشیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران
محمد سلمانی - استادیار دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران
مجتبی قدیری معصوم - استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۲۴

چکیده

در اغلب کشورهای در حال توسعه، گرایش برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی‌های شهری-روستایی در دهه‌های اخیر، به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در این زمینه انجامیده، که از مهم‌ترین آنها تبدیل روستاها به شهر و تقویت آن‌ها بوده است. پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعه در بخش و شهر دیلمان، در پی ارزیابی تأثیر سیاست تبدیل روستا به شهر در توسعه مناطق کوهستانی در زمینه‌هایی چون رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و ارتقای شرایط کالبدی-محیطی است. نوع پژوهش حاضر، کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تمرکز اصلی پژوهش در بخش مطالعه میدانی بر پرسشنامه است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه پس از کدگذاری و انتقال به نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS، تجزیه و تحلیل گردید. برای آزمون فرضیات، از آزمون‌های یو مان-ویتنی و t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج آزمون یو مان-ویتنی نشان می‌دهد که بین نظر دو گروه از پاسخگویان در مورد نقش تبدیل دیلمان به شهر در توسعه محدوده مطالعاتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون t گویای این واقعیت است که تبدیل دیلمان به شهر در رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و ارتقای وضعیت کالبدی-محیطی تأثیر چندانی نداشته است. بنابراین، نتایج پژوهش بر عدم موفقیت سیاست تبدیل روستا به شهر در توسعه منطقه‌ای، در نمونه مورد مطالعه دلالت دارد.
کلیدواژه‌ها: شهر کوچک، توسعه روستایی، ارزیابی، ارتقای روستا به شهر، بخش دیلمان.

۱. مقاله حاضر بر گرفته از رساله دکتری با عنوان «ارزیابی تبدیل روستا به شهر در توسعه مناطق کوهستانی (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهکل)» است که با راهنمایی مشترک سیدعلی بدری و محمد سلمانی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در حال انجام است.

مقدمه

از دهه ۱۹۴۰ تاکنون چندین الگو در زمینه توسعه با تأکید بر توسعه اقتصادی ارائه شده که بر رشد اقتصادی از طریق صنعتی شدن شهری متکی بوده و بازتاب فضایی آن، تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ بوده است. این تمرکز شهری در کشورهای در حال توسعه مشکلاتی نظیر افزایش شتابان شهرنشینی، توزیع نامتعادل جمعیت، افزایش بیکاری، عقب‌ماندگی روستاها، مهاجرت جمعیت -به‌ویژه جمعیت فعال به کلان‌شهرها- و مانند آن را به دنبال داشته است. به همین دلیل، در سطح کشورهای در حال توسعه برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی به منظور کاستن از آثار منفی مشکلات یادشده، ارائه شده است (گلی و عسگری، ۱۳۸۴، ۱۵۵). یکی از مهم‌ترین راهبردها در این زمینه، تبدیل روستا به شهر و تقویت آن‌هاست. درحالی‌که برای مشاهده تأثیر پروژه‌های توسعه روستایی بر شرایط زندگی گروه‌های هدف، به زمانی طولانی نیاز است، شهرهای کوچک، انگیزه‌ها و محرک‌های توسعه را به‌سرعت می‌پذیرند و شهرنشینی سریع، با رشد اقتصادی سریع و تغییر در سبک زندگی همراه است (Bloh, ۲۰۰۸, ۸). اگرچه در بخشی از متون توسعه منطقه‌ای، شهرهای کوچک نوش‌دارو فرض می‌شوند، اما لازم است نقش و عملکرد این شهرها در شرایط گسترده‌تر نظام‌های شهری و سیاست‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مورد توجه و بررسی قرار گیرد (Facoli, ۲۰۰۶, ۵۰).

در ایران نیز طی نیم قرن اخیر، یکی از تأثیرات فرایند شهرگرایی شتابان بر ساختار فضایی و جمعیتی کشور، رشد فزاینده تعداد شهرها، از طریق تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک بوده، به‌طوری‌که تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۶ شهر در سال ۱۳۸۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۳۵). به عبارت دیگر، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، تعداد ۸۱۷ شهر به شهرهای کشور افزوده شده است. از این تعداد، ۷۹۲ شهر، روستاهایی بوده‌اند که به شهر ارتقا یافته‌اند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۳۵-۳۴). در وضعیت کنونی نیز هر ۹ روز یک شهر موجودیت پیدا می‌کند (رهنمایی، ۱۳۸۸، ۲۰۶). به‌رغم تفاوت‌های ماهوی در شکل و شیوه پویای شهرنشینی در مناطق مختلف کشور، نسبت جمعیت شهرنشین نیز افزایش یافته است. برآوردها نشان می‌دهد که در سال‌تنها ۲۸ درصد از جمعیت کشور در ۱۳۰۰،

شهرها زندگی می‌کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، ۴۸)، در نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵ میزان جمعیت شهرنشین ایران حدود ۳۱/۴ درصد بود و در سال ۱۳۸۵ این میزان به ۶۸/۵ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۳۵).

در استان گیلان که همواره جمعیت روستایی در آن بیشتر بوده است و پیشینه شهرنشینی کمتری نیز دارد، تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک، روند شتابانی یافته است (ضیاءتوانا و امیرانتخابی، ۱۳۸۶، ۱۰۹)؛ به گونه‌ای که تعداد شهرهای این استان از ۱۰ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۴۹ شهر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. مکان‌یابی شهرهای استان براساس عامل ارتفاع و تبعیت از توپوگرافی زمین نشان از تمرکز شدید جمعیت شهرنشین در مناطق پست و هموار دارد. مقایسه بین دو سرشماری سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که گرایش جمعیت عمدتاً به اسکان و استقرار در محدوده‌های پست و کم‌ارتفاع بوده است. در واقع، مناطق کوهستانی و مرتفع به دلایلی چون شیب زیاد و در نتیجه خاک نامناسب و کمبود زمین‌های زراعی و همچنین مشکلات اقلیمی و ارتباطی، توان جمعیت‌پذیری محدودی دارند (آمار، ۱۳۸۶، ۱۸). این محدودیت‌های محیطی از مهم‌ترین دلایل عدم پیدایش و تکوین کانون‌های شهری در این نواحی است (رهنمایی، ۱۳۶۹، ۷۸). شهرهای موجود در مناطق کوهستانی گیلان در دهه‌های اخیر، براساس اراده حاکمیتی شکل گرفته‌اند. در استان گیلان در ارتفاع بالاتر از ۵۰۰ متر سه نقطه در منتهی‌الیه جنوبی استان (جیرنده و پره‌سر در شهرستان رودبار و دیلمان در شهرستان سیاهکل) و یک نقطه در غرب استان (ماسوله در شهرستان فومن) به عنوان نقاط شهری کوچک شکل گرفته است. جیرنده، پره‌سر و دیلمان به‌منظور ایجاد و تقویت مراکز خدمات‌رسانی مکمل برای روستاهای اطراف و ماسوله نیز به عنوان منطقه‌ای تاریخی با گونه‌ی خاصی از معماری سنتی، در زمره نقاط غیرمعارف شهری (با در نظر گرفتن جمعیت) محسوب می‌شوند (آمار، ۱۳۸۶، ۱۷).

پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعه در بخش و شهر دیلمان، در پی آن است که ضمن ارزیابی سیاست ارتقای روستا به شهر در مناطق کوهستانی، نقش آن را در توسعه این مناطق، به‌ویژه در ابعادی چون رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتقای شرایط

کالبدی- محیطی، بررسی کند و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که با توجه به محدودیت‌های حاکم بر مناطق کوهستانی، آیا اصولاً ایجاد شهر از طریق تبدیل نقاط بزرگ روستایی به نقاط شهری، سیاست مناسب و درخوری است. در عین حال، از دیدگاه مردم، چنین سیاستی چه تأثیرات مثبت و یا منفی‌ای در وضعیت توسعه‌یافتگی شهر و حوزه‌های روستایی بلافصل و پیرامونی آن داشته است؟

مبانی نظری پژوهش

درباره نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی و منطقه‌ای، سه دیدگاه مسلط بین جغرافی‌دانان توسعه و برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای وجود دارد: دیدگاه فضایی عملکردی^۱ (دیدگاه خوش‌بینانه)، دیدگاه اقتصاد سیاسی^۲ (دیدگاه بدبینانه) و دیدگاه میانه^۳ (Baker and Claeson, ۱۹۹۰, ۱۶). دیدگاه فضای عملکردی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح گردید، بر این نکته تأکید دارد که شهرهای کوچک از طریق پخش و رخنه به پایین نوآوری‌ها، خدمات و امکانات، در توسعه حوزه نفوذ خود نقش مثبت دارند. تمرکز این دیدگاه بر «رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی» است. این دیدگاه به میزان زیادی مورد استفاده برنامه‌ریزان و مؤسسات کم‌کمرسان بین‌المللی بوده است (Pedersen, ۱۹۹۰, ۸۹ and Tacoli, ۱۹۹۸, ۱۵۲).

از دهه ۱۹۷۰، برداشت‌های پیشین در خصوص این دیدگاه دگرگون شد. در دیدگاه اقتصاد سیاسی، شهرها بر پیرامون‌شان تأثیر منفی یا کم‌ترین تأثیر را دارند. این دیدگاه بر جانبداری شهری^۴ و مبادله نابرابر بین مراکز شهری و روستایی تأکید می‌ورزد. مطابق این دیدگاه،

۱ . Functional Spatial View

۲ . Political Economic View

۳ . Intermediate View

۴ . Urban Bias

شهرهای کوچک در سلسله‌مراتب شهری، پیش‌تاز بهره‌برداری از نواحی روستایی و انتقال منابع آن به نواحی شهری بزرگ‌ترند (Owusu, ۲۰۰۵, ۲۴ and Southall, ۱۹۸۸, ۵).

این دو دیدگاه به خاطر بررسی روابط شهر- پسرکانه به صورت یک‌جانبه (عمدتاً جریان از شهر به روستا) و بی‌توجهی به پیوندهای روستایی- شهری مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته‌اند، که در پی این انتقادهای دیدگاه میانی شکل گرفت. دیدگاه میانی بر نقش مثبت یا منفی شهرهای کوچک تأکید نمی‌ورزد، بلکه خصوصیات و ویژگی‌های شهرهای کوچک و حوزه نفوذ آن‌ها را در این مورد دخیل می‌داند؛ همچنین، تعمیم و تجویز نقش این شهرها را در سطح جهانی رد می‌کند (Tacoli, ۱۹۹۸, ۱۵۳).

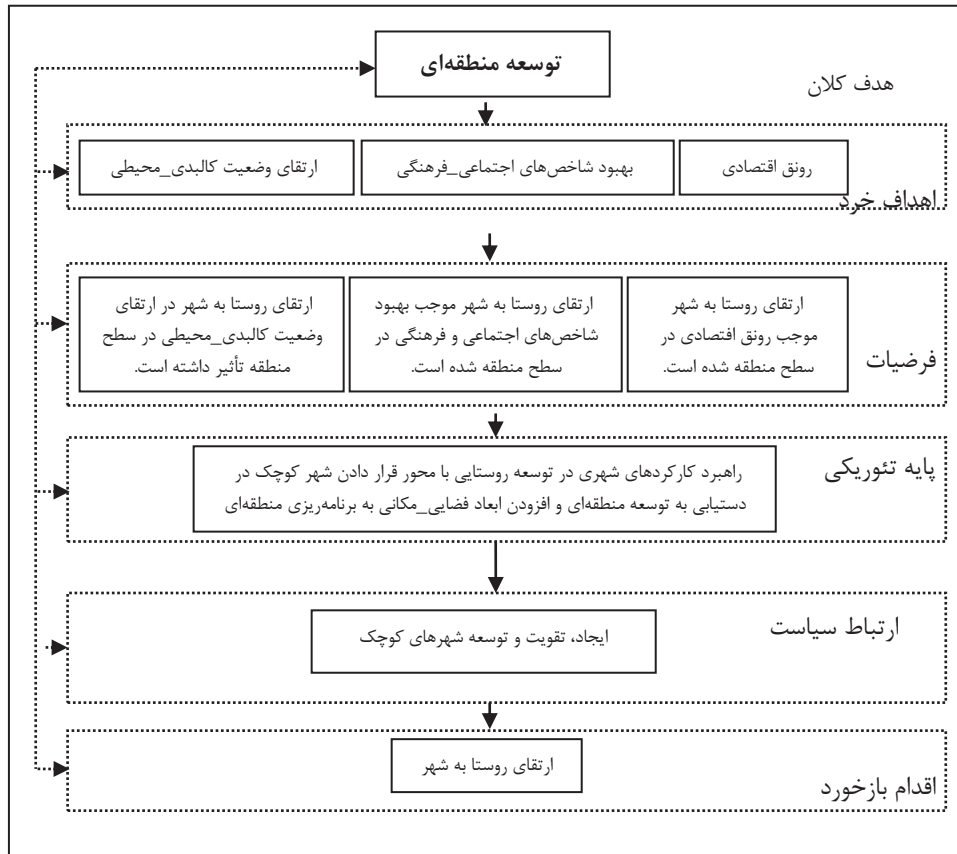
پژوهش‌هایی که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، در زمینه نقش و عملکرد شهرهای کوچک انجام گرفته است، به طور عمده به این نکته اذعان دارند که شهرهای کوچک در صورت بهره‌مندی از شرایط و امکانات لازم، می‌توانند اشتغال غیرکشاورزی را برای جمعیت حوزه نفوذ خود فراهم کنند و به این ترتیب، با تثبیت جمعیت و پذیرش بخشی از مهاجران روستایی، تا حدودی مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ را کاهش دهند. این شهرها به عنوان بازار تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی پیرامون خود و مراکز توزیع کالاهای مصرفی مراکز شهری برتر عمل می‌کنند.

شهرهای کوچک شرایط و موقعیت مناسبی برای تهیه خدماتی نظیر تأمین اعتبارات و نهاده‌های کشاورزی، و خدمات شهری نظیر امکانات آموزشی و تحصیلی، مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی و مانند آن، برای حوزه روستایی پیرامون خود دارند (۹- ۸, ۲۰۰۸, Chattopadhyay). البته نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه مناطق روستایی پیرامون و نیز توسعه منطقه‌ای نباید در همه جا یکسان قلمداد شود (۳۷۹, ۲۰۰۲, Hinderink and Titus). این شهرها در برخی موارد به خاطر نداشتن منابع مالی کافی و زیرساخت‌های مناسب، فاقد قدرت و اختیار لازم در اجرای فرایند توسعه هستند (۶۲, ۲۰۰۳, Satterthwaith and Tacoli). با وجود این، اغلب پژوهش‌های انجام‌شده، نقش و عملکرد شهرهای کوچک را در توسعه ملی، منطقه‌ای و روستایی (محلی)، مثبت ارزیابی کرده‌اند.

در ایران نیز پژوهش‌های چندی در زمینه نقش و عملکرد شهرهای کوچک، که عمدتاً از طریق ارتقای روستا به شهر به وجود آمده‌اند، در توسعه -به‌ویژه توسعه روستایی- انجام شده است که نشان می‌دهد این شهرها تا حدودی برخی از فرصت‌های شغلی را در زمینه‌های اداری، تجاری و خدماتی به وجود آورده‌اند و امکانات در آن‌ها افزایش یافته است. همچنین تبدیل روستا به شهر تا حدودی منجر به کنترل روند مهاجرت به شهرهای بزرگ و تثبیت جمعیت شده است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰).

شهرهای کوچک به عنوان مراکز توسعه روستایی و بستر هماهنگ توسعه شهری و روستایی و حلقه اتصال فضاهاى روستایی با شبکه شهری قلمداد می‌شوند (نوری و همکاران، ۱۳۸۸) و تا اندازه‌ای خلأ مراکز خدمات شهری را در حوزه‌های روستایی پر می‌کنند. از سوی دیگر، در ایجاد اشتغال غیرکشاورزی و تقویت خدمات تجاری، اداری، آموزشی و بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ شهرهای جدید مؤثر بوده‌اند (ضیاء توانا و امیرانتخابی، ۱۳۸۶) و باعث بهبود کیفیت زندگی در این شهرها شده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹). نتایج حاصل از پژوهش دیگری نشان می‌دهد که شهر ریوش در شهرستان کاشمر، در تثبیت و نگهداری جمعیت، بسط کارکردها به درون نواحی پیرامونی و حوزه نفوذ و ارائه اشتغال، امکانات و تسهیلات ناموفق بوده است (سرایبی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶).

سیاست ارتقای روستا به شهر در ایران بر مبنای راهبرد «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» است و هدف آن تأمین حداقل شرایط برای روستاییان است که آن‌ها را قادر سازد تا جوامع روستایی و منطقه‌شان را به توسعه اجتماعی و اقتصادی برسانند. به این ترتیب، الگوی مفهومی پژوهش متأثر از دیدگاه فضایی- عملکردی و بر پایه راهبرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی طراحی شده است (شکل ۱) و براساس این الگو فرایند ارتقای روستا به شهر در توسعه منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و روش انجام آن، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تمرکز اصلی پژوهش در بخش مطالعه میدانی بر پرسشنامه است و در آن از دو نوع پرسشنامه سرپرست خانوارهای شهری و پرسشنامه سرپرست خانوارهای روستایی استفاده شده است.

شاخص‌ها و مؤلفه‌های پژوهش در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- محیطی دسته‌بندی شده است. این شاخص‌ها و متغیرها از طریق بررسی و مرور گسترده پژوهش‌های نظری در حیطه موضوع مورد پژوهش (اعم از پژوهش‌های صورت‌گرفته در داخل و خارج از کشور)، مصاحبه حضوری و نیمه‌ساختارمند با متخصصان و مطلعان و نیز مشاهدات میدانی و مصاحبه با مردم محلی شناسایی و استخراج شدند. برای اندازه‌گیری هر یک از ابعاد، از مقیاس نمره‌دهی پنج درجه‌ای طیف لیکرت استفاده گردید. طیف لیکرت از گرایش خیلی کم تا گرایش خیلی زیاد تشکیل شده و به هر یک از قسمت‌های آن نمره‌هایی از ۱ تا ۵ (به پاسخ خیلی کم نمره ۱ و به پاسخ خیلی زیاد نمره ۵) اختصاص داده شده است.

در پژوهش حاضر سطح تحلیل، شهر دیلمان و روستاهای بخش دیلمان و واحد تحلیل، سرپرستان خانوارهای شهری و روستایی ساکن در بخش است. قلمرو زمانی پژوهش از ابتدای خرداد ۱۳۸۹ تا نیمه اول بهمن‌ماه ۱۳۹۰ است. به‌منظور انتخاب تعداد نمونه با توجه به تعداد جمعیت سکونتگاه‌های روستایی، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. تعداد ۲۲ آبادی از مجموع ۸۴ آبادی دارای سکنه بخش دیلمان به عنوان آبادی نمونه انتخاب شده‌اند. با توجه به همگونی و تجانس نسبی خانوارهای روستایی محدوده مطالعاتی، در مجموع از ۳۱۸۰ خانوار ساکن در این مناطق، به کمک فرمول کوکران، ۲۹۳ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. در سطح شهر دیلمان نیز که دارای ۴۷۰ خانوار است، با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۹۲ خانوار به عنوان جامعه نمونه، مورد پرسش قرار گرفتند.

روایی^۱ پرسشنامه با نظر پانل متخصصان و صاحب‌نظران تأیید گردید. برای تعیین پایایی^۲ پرسشنامه با استفاده از ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون^۳ انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای مجموع ابعاد، ۰/۹۲۲ به دست آمد.

۱ . Validity

۲ . Reliability

۳ . Pre-Test

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها پس از کدگذاری، به نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS تحت ویندوز انتقال داده شد و سپس تجزیه و تحلیل گردید. برای انجام آزمون فرضیات، از آزمون‌های یو-مان-ویتنی و t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، بخش دیلمان -یکی از بخش‌های شهرستان سیاهکل- است که در جنوب استان گیلان قرار دارد و از این سمت با استان قزوین هم‌مرز است. این بخش که در میان رشته‌کوه‌های البرز قرار گرفته، از دو منطقه کوهستانی- دره‌ای و جنگلی تشکیل شده است. روستاهای آن عمدتاً در منطقه کوهستانی- دره‌ای واقع‌اند و روستاهای موجود در منطقه جنگلی معدود و کم‌جمعیت هستند.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

در منطقه مطالعاتی، تأثیرات محیط طبیعی در شکل‌گیری و پراکنش سکونتگاه‌های روستایی بیش از تأثیر محیط فرهنگی بوده است. کوهستانی بودن، محدودیت منابع آب و خاک، مشکلات دسترسی و پیشینه خاص و منحصر‌زندی و فعالیت در این محدوده، موجب شده است که سکونتگاه‌های روستایی آن ثبات ناچیز، انزوا و جدا افتادگی و وسعت اندکی داشته باشند.

به دلیل مشکلات ارتباطی و کمبود یا فقدان زمین‌های کشاورزی که فقط به پادگانه‌های آبرفتی رودخانه‌ها یا دامنه‌های کم‌شیب محدود می‌شود (رهنمایی، ۱۳۷۰، ۹۴)، شهرنشینی در این ناحیه به شکل طبیعی تکوین نیافته و تنها در سال ۱۳۷۸، بر اثر تقسیمات سیاسی-اداری، شهر دیلمان با ترکیب دو روستای دیلمان و اسپیلی به وجود آمده است.

یافته‌ها

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش‌تر پاسخگویان (۹۴/۹ درصد) بین ۳۱ تا ۸۲ سال سن دارند و میانگین سنی آن‌ها ۴۷/۳۴ سال است. به لحاظ شرایط خاص آیا جنسیت، تحصیلات و اشتغال از شاخصه‌های فرهنگی به شمار می‌آیند؟ فرهنگی، از نظر جنسیت ۹۲/۲ درصد از پاسخگویان مرد و ۷/۸ درصد زن هستند. ۹۰/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم یا پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۲۲/۷ درصد بیسوادند. تنها ۹/۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. از نظر اشتغال ۹۷/۳ درصد از پاسخگویان شاغل‌اند که شغل کشاورزی با ۶۳/۱ درصد بیش‌ترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است و ۲/۷ درصد از پاسخگویان بیکار هستند.

نتیجه آمار توصیفی در بعد اقتصادی نشان می‌دهد که میانگین پاسخ‌ها برای تمامی مؤلفه‌ها پایین است (جدول ۱). پایین‌ترین میانگین، متعلق به مؤلفه اشتغال با میانگین ۱/۵ و انحراف معیار ۰/۷۲۶ و بالاترین آن به مؤلفه بازار زمین و مسکن با میانگین متوسط به پایین ۲/۵ و انحراف معیار ۱/۱۲۰ اختصاص دارد. بنابراین از نظر پاسخگویان ارتقای دیلمان به شهر تأثیر چندانی در بهبود وضعیت اقتصادی در سطح منطقه نداشته است.

جدول ۱. تأثیر ارتقای روستاها به شهر در مؤلفه‌های بعد اقتصادی از دیدگاه سرپرستان خانوار

مجموع عددی	انحراف معیار	میانگین	درصد					مؤلفه‌ها
			۵	۴	۳	۲	*۱	
۷۴۵/۵	۰/۷۲۶	۱/۵	۰/۲	۱/۸	۸/۸	۳۰/۲	۵۹	اشتغال
۱۰۰۳/۲۵	۰/۸۰۱	۲/۱	۱	۳/۲	۲۵	۴۶/۲	۲۵/۳	درآمد
۱۱۳۱/۷۵	۰/۹۳۷	۲/۳	۰/۸	۱۱/۵	۲۹/۷	۳۵/۷	۲۲/۷	تعاملات اقتصادی
۱۳۵۳/۵۷	۱/۱۲۰	۲/۵	۲/۸	۱۲/۴	۳۲/۹	۳۳/۳	۱۸/۱	بازار زمین و مسکن
۸۵۱/۸	۰/۸۳۱	۱/۸	۰/۵	۳/۷	۱۴/۶	۳۲/۹	۴۸/۱	امکانات تولیدی و تجاری
۱۰۱۷/۱۷۴	۰/۸۸۳	۲/۰	۱	۶/۵	۲۲/۲	۳۵/۷	۳۴/۶	میانگین نهایی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه آمار توصیفی در بعد اجتماعی- فرهنگی نیز نشان می‌دهد که مقدار میانگین در مؤلفه‌های تعامل اجتماعی، و نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی در حد متوسط و مقدار انحراف معیار آن‌ها به ترتیب ۱/۰۰۱ و ۱/۰۶۵ است. در بقیه مؤلفه‌ها میانگین به دست آمده پایین‌تر از حد متوسط است. با توجه به جدول ۲ می‌توان پی برد که از نظر پاسخگویان تأثیر تبدیل دیلمان به شهر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی بیش‌تر از ابعاد اقتصادی بوده، با وجود این میزان تأثیر بسیار اندک است.

مقدار میانگین محاسبه‌شده برای تمام مؤلفه‌های بعد کالبدی- محیطی پایین‌تر از سطح متوسط است. پایین‌ترین حد میانگین پاسخ‌ها به مؤلفه به‌زیستی فردی و اجتماعی با ۲/۱ و انحراف معیار ۰/۹۸۷ و بالاترین میانگین به مؤلفه منظر با ۲/۶ و انحراف معیار ۱/۰۸۸ اختصاص دارد (جدول ۳).

* در طیف پاسخ‌ها برای خیلی کم رتبه ۱، کم رتبه ۲، تا اندازه‌ای رتبه ۳، زیاد رتبه ۴ و خیلی زیاد رتبه ۵ در نظر گرفته شده است.

بهرام کریمی و همکاران ————— ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از ...

جدول ۲. تأثیر ارتقای روستاها به شهر در مؤلفه‌های بعد اجتماعی - فرهنگی از دیدگاه سرپرستان خانوار

مؤلفه‌ها	درصد					میانگین	انحراف معیار	مجموع عددی
	۱	۲	۳	۴	۵			
خدماتی	۱۶/۹	۳۲/۸	۳۶/۲	۱۲/۶	۱/۵	۲/۵	۰/۹۵۹	۱۲۰۷/۵
تعلق مکانی	۲۷/۸	۳۲/۶	۲۶/۷	۱۰/۳	۲/۵	۲/۳	۰/۹۹۶	۱۱۰۲
تعامل اجتماعی	۹/۵	۱۹/۴	۳۸/۸	۲۶/۲	۶/۱	۳/۰	۱/۰۰۱	۱۴۵۴/۷
نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۹/۲	۲۲/۴	۳۴/۵	۲۵/۶	۸/۲	۳/۰	۱/۰۶۵	۱۴۶۱/۶
قانونمندی	۲۹	۳۵/۱	۲۳/۴	۱۰/۸	۱/۷	۲/۲	۰/۹۷۴	۱۰۷۲۲/۷
کیفیت زندگی	۲۳/۶	۲۹/۹	۳۰/۹	۱۲/۳	۳/۴	۲/۴	۰/۹۶۸	۱۱۷۲/۷
میانگین نهایی	۱۹/۳	۲۸/۷	۳۱/۸	۱۶/۳	۳/۹	۲/۶	۰/۹۹۴	۱۲۴۵/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. تأثیر ارتقای روستاها به شهر در مؤلفه‌های بعد کالبدی - محیطی

از دیدگاه سرپرستان خانوار

مؤلفه‌ها	درصد					میانگین	انحراف معیار	مجموع عددی
	۱	۲	۳	۴	۵			
ارتباطات	۲۷/۴	۲۶/۹	۲۸/۴	۱۳/۸	۳/۴	۲/۴	۱/۰۱۷	۱۱۵۹/۶
به‌زیستی فردی و اجتماعی	۳۵/۱	۳۰/۳	۲۳	۹/۳	۲/۳	۲/۱	۰/۹۸۷	۱۰۳۴/۶
گردشگری	۲۷/۴	۲۴/۸	۲۷/۲	۱۷/۲	۳/۴	۲/۴	۱/۰۸۸	۱۱۸۵/۳
منظر	۲۳	۲۹/۴	۲۴/۹	۱۷/۸	۴/۸	۲/۶	۱/۰۸۸	۱۲۲۲/۵
میانگین نهایی	۲۸/۲	۲۷/۹	۲۵/۹	۱۴/۵	۳/۵	۲/۴	۱/۰۴۵	۱۱۵۰/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

برای شناخت تفاوت میان نگرش سرپرستان خانوارهای شهری و روستایی به موضوع تأثیر ارتقای روستا به شهر در توسعه منطقه‌ای، به‌خاطر رتبه‌ای بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه و وجود دو گروه مستقل، از آزمون یو مان-ویتنی استفاده شده است. در بعد اقتصادی، پنج مؤلفه اصلی با مجموع ۲۴ شاخص مورد آزمون قرار گرفت تا تفاوت بین نگرش ساکنان نقاط روستایی و شهری در مورد اثرگذاری تبدیل دیلمان به شهر در رونق اقتصادی منطقه مشخص شود.

جدول ۴. تفاوت نگرش خانوارهای شهری و روستایی به تأثیر ارتقای روستاها به شهر در ابعاد اقتصادی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ها		سطح معنی داری
		شهری	روستایی	
اشتغال	تنوع شغلی	۲۷۷/۴۳	۲۲۰/۴۴	۰/۰۰۰
	میزان اشتغال	۲۷۱/۴۰	۲۲۴/۳۹	۰/۰۰۰
	چندشغلی	۲۷۸/۴۳	۲۱۹/۷۸	۰/۰۰۰
	اشتغال زنان	۲۵۳/۴۴	۲۳۶/۱۶	۰/۰۹۱
درآمد	متوسط درآمد سالانه	۲۶۱/۵۵	۲۳۰/۸۴	۰/۰۰۹
	وضعیت درآمد برای تأمین نیازهای مصرفی خانواده	۲۴۶/۱۶	۲۴۰/۹۳	۰/۶۶۸
	برابری و توزیع بهتر درآمد	۲۷۰/۲۳	۲۲۵/۱۶	۰/۰۰۰
	میزان درآمد روستاییان به دلیل فروش تولیدات روستایی در شهر	۲۵۲/۳۲	۲۳۶/۸۹	۰/۲۰۹
تغییرات اقتصادی	تغییر کشت سنتی به کشت تخصصی و برای فروش در بازار	۳۰۱/۵۵	۲۰۴/۶۳	۰/۰۰۰
	خرید و فروش تولیدات روستایی	۲۶۱/۴۰	۲۳۰/۹۴	۰/۰۱۲
	فراهم آوردن زمینه انتقال و عرضه تولیدات روستایی به بیرون از منطقه	۲۷۴/۵۹	۲۲۲/۳۰	۰/۰۰۰
	فراهم آوردن زمینه انتقال، عرضه و توزیع کالاهای مصرفی از دیگر شهرها به منطقه	۳۱۳/۵۷	۱۹۶/۷۶	۰/۰۰۰
بازار زمین و مسکن	قیمت اراضی زراعی و باغی	۲۴۵/۹۶	۲۴۱/۰۶	۰/۶۸۸
	قیمت اراضی مسکونی	۲۳۲/۲۷	۲۵۰/۰۳	۰/۱۴۹
	قیمت مسکن	۲۴۵/۳۹	۲۴۱/۴۳	۰/۷۵۰
	بهای اجاره مسکن	۲۵۳/۹۸	۲۳۵/۸۰	۰/۱۴۴
	معاملات زمین	۳۲۱/۴۳	۱۹۱/۶۱	۰/۰۰۰
	معاملات مسکن	۳۰۹/۱۷	۱۹۹/۶۴	۰/۰۰۰
	میزان ساخت‌وساز مسکن	۳۰۵/۱۴	۲۰۲/۲۸	۰/۰۰۰
	تعداد واحدهای تجاری	۳۰۳/۷۵	۲۰۳/۱۹	۰/۰۰۰
امکانات تولیدی و تجاری	تعداد واحدهای تولیدی	۲۴۸/۱۹	۲۳۹/۶۰	۰/۴۶۶
	تعداد واحدهای خدماتی	۲۹۵/۲۳	۲۰۸/۷۷	۰/۰۰۰
	تبدیل واحدهای تولید سنتی به صنعتی	۲۶۱/۷۶	۲۳۰/۷۱	۰/۰۰۶
	نرخ سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی	۲۶۷/۹۴	۲۲۶/۶۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در ۱۶ شاخص، نتایج معنی‌دار است که نشان از تفاوت‌های موجود در نگرش دو گروه مورد مطالعه دارد. در هشت شاخص این تفاوت معنی‌دار نیست. برای درک شدت تفاوت در نگرش دو گروه به شاخص‌های اقتصادی، می‌توان از میانگین رتبه‌ها دریافت که شدیدترین تفاوت‌ها در شاخص‌های معاملات زمین، فراهم آوردن زمینه انتقال، عرضه و توزیع کالاهای مصرفی از شهرهای دیگر به منطقه، معاملات مسکن، میزان ساخت‌وساز مسکن، تعداد واحدهای تجاری و تغییر کشت سنتی به کشت تخصصی برای فروش در بازار مشاهده می‌شود (جدول ۴).

در بعد اجتماعی، شش مؤلفه با مجموع ۳۴ شاخص مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون در ۲۷ مورد معنی‌دار است و نشان از وجود تفاوت میان نگرش دو گروه در این موارد در بعد اجتماعی- فرهنگی دارد. در هشت شاخص نیز این تفاوت معنی‌دار نیست. برای درک تفاوت در نگرش دو گروه از میزان میانگین رتبه‌ها، می‌توان بیشترین سطح تفاوت‌ها را در شاخص‌هایی مانند تمایل به ساخت مسکن با معماری به سبک شهری، کیفیت خدمات آموزشی، کیفیت خدمات ارتباطی و دسترسی، مهاجرت خانوارها یا افراد روستاهای اطراف به شهر دیلمان، تغییر در نگرش مردم به شیوه زندگی روستایی و نوع رفتار مردم با گردشگران مشاهده کرد (جدول ۵). در بعد کالبدی- محیطی نیز چهار مؤلفه با مجموع ۲۴ شاخص مورد آزمون قرار گرفت. نتایج به دست آمده در ۲۲ شاخص معنی‌دار است، که نشان از وجود تفاوت در نگرش سرپرستان خانوار دو گروه به نقش تبدیل دیلمان به شهر در بهبود شرایط کالبدی- محیطی دارد. در دو شاخص، یعنی سامانه تخلیه بهداشتی فاضلاب و عدم تغییر سطح اراضی زیرکشت کشاورزی، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد. شدت و اوج تفاوت‌های موجود در نگرش دو گروه را می‌توان از ستون میانگین رتبه‌ها دریافت، به طوری که در شش شاخص، یعنی ساخت خانه‌های ییلاقی (خانه‌های دوم) به وسیله گردشگران و شهرنشینان، جریان گردشگری (رفت و آمد گردشگران)، امکانات و زیرساخت‌های گردشگری، سامانه مناسب جمع‌آوری و دفع زباله، دسترسی به امکانات پستی و مخابراتی و کیفیت مسکن از نظر مصالح و تجهیزات، شدت این تفاوت‌ها به حداکثر می‌رسد (جدول ۶).

جدول ۵. تفاوت نگرش خانوارهای شهری و روستایی به تأثیر ارتقای روستاها به شهر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ها		معنی‌داری سطح
		شهری	روستایی	
خدماتی	کیفیت ارائه خدمات مالی و اعتباری	۲۸۷/۲۳	۲۱۴/۰۲	۰/۰۰۰
	کیفیت ارائه خدمات آموزشی	۳۰۳/۳۴	۲۰۳/۴۶	۰/۰۰۰
	کیفیت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی	۲۸۸/۸۶	۲۱۲/۹۵	۰/۰۰۰
	کیفیت ارائه خدمات کشاورزی و ترویجی	۲۸۱/۷۱	۲۱۷/۶۴	۰/۰۰۰
	کیفیت ارائه خدمات ارتباطی و دسترسی	۳۰۲/۹۱	۲۰۳/۷۴	۰/۰۰۰
	کیفیت ارائه خدمات انتظامی و قضایی	۲۷۰/۷۳	۲۲۴/۸۳	۰/۰۰۰
تعلق مکانی	تمایل به ماندگاری	۲۷۴/۷۳	۲۲۲/۲۰	۰/۰۰۰
	مهاجرت خانوارها یا افراد روستاهای اطراف به شهر دیلمان	۲۹۹/۹۰	۲۰۵/۷۲	۰/۰۰۰
	احساس تعلق و دل بستگی به زندگی در شهر/روستا	۲۸۲/۵۳	۲۱۷/۱۰	۰/۰۰۰
	مالکیت بومی زمین‌های کشاورزی (زراعی و باقی)	۲۶۹/۵۶	۲۲۵/۵۹	۰/۰۰۰
	مالکیت بومی واحدهای مسکونی	۲۷۶/۴۲	۲۲۱/۱۰	۰/۰۰۰
تعمیر اجتماعی	روحیه مشارکت و همکاری	۲۵۹/۷۹	۲۳۱/۹۹	۰/۰۲۳
	مسئولیت‌پذیری	۲۵۰/۹۶	۲۳۷/۷۸	۰/۲۸۵
	میزان شرکت در مراسم مذهبی، ملی و محلی	۲۷۶/۱۶	۲۲۱/۲۷	۰/۰۰۰
	نرخ تشکیل خانواده	۲۷۲/۷۰	۲۲۳/۵۴	۰/۰۰۰
نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	تمایل به ساخت مسکن با معماری به سبک شهری	۳۰۸/۰۹	۲۰۰/۳۴	۰/۰۰۰
	تغییر در نگرش مردم نسبت به شیوه زندگی روستایی	۲۹۷/۹۴	۲۰۷/۰۰	۰/۰۰۰
	میزان آگاهی و دانش عمومی مردم از محیط زندگی خود	۲۸۸/۸۱	۲۱۲/۹۸	۰/۰۰۰
	میزان علاقه به علم و تحصیل میان جوانان	۲۶۲/۵۹	۲۳۰/۱۶	۰/۰۰۹
	امید به بهبود شرایط زندگی و توسعه و آبادانی محل زندگی	۲۷۸/۵۰	۲۱۹/۷۴	۰/۰۰۰
	نوع رفتار مردم با گردشگرانی که به منطقه وارد می شوند	۲۹۷/۱۷	۲۰۷/۵۰	۰/۰۰۰
	امنیت شغلی	۲۵۱/۴۵	۲۳۷/۴۷	۰/۳۴۸
	رفع اختلاف در مالکیت اراضی به دلیل وجود مراجع ذی‌ربط	۲۵۷/۳۱	۲۳۳/۶۲	۰/۰۵۶
کیفیت زندگی	قانونمند شدن بهره‌برداری از اراضی ملی	۲۹۱/۱۳	۲۱۱/۴۶	۰/۰۰۰
	کیفیت محیط	۲۷۳/۵۳	۲۲۲/۹۹	۰/۰۰۰
	کیفیت آموزش	۲۹۲/۴۹	۲۱۰/۵۷	۰/۰۰۰
	کیفیت سلامت	۲۸۳/۷۵	۲۱۶/۳۰	۰/۰۰۰
	کیفیت مسکن	۲۹۴/۶۳	۲۰۹/۱۷	۰/۰۰۰
	کیفیت زیرساخت‌ها	۲۸۱/۶۲	۲۱۷/۶۹	۰/۰۰۰
	کیفیت اشتغال	۲۴۲/۶۶	۲۴۳/۲۳	۰/۹۶۲
	کیفیت درآمد	۲۳۶/۹۸	۲۴۶/۹۵	۰/۴۱۲
	کیفیت گذران اوقات فراغت	۲۴۷/۶۱	۲۳۹/۹۸	۰/۵۰۶
	کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی	۲۵۵/۱۱	۲۳۵/۰۶	۰/۱۰۶
	تعلق و دل بستگی به محل زندگی	۲۵۴/۲۹	۲۳۵/۶۰	۰/۱۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بهرام کریمی و همکاران ————— ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از ...

جدول ۶. تفاوت نگرش خانوارهای شهری و روستایی به تأثیر ارتقای روستاها به شهر در ابعاد کالبدی - محیطی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ها		معنی‌داری سطح
		شهری	روستایی	
ارتباطات	کیفیت راه‌های ارتباطی	۲۸۸/۵۸	۲۱۳/۱۳	۰/۰۰۰
	دسترسی به امکانات حمل‌ونقل عمومی	۲۸۳/۴۹	۲۱۶/۴۷	۰/۰۰۰
	میزان رفت و آمد و مراجعات روستاییان به شهر دیلمان	۲۸۳/۰۶	۲۱۶/۷۵	۰/۰۰۰
	خروج از بن‌بست و انزوا	۲۷۷/۰۶	۲۲۰/۶۸	۰/۰۰۰
	دسترسی خانوارها به مراکز عرضه و توزیع سوخت‌های فسیلی	۲۸۴/۰۶	۲۱۶/۰۹	۰/۰۰۰
	دسترسی به امکانات پستی و مخابراتی	۳۱۱/۲۷	۱۹۸/۲۷	۰/۰۰۰
	دسترسی به رایانه و اینترنت	۲۸۰/۲۷	۲۱۸/۵۸	۰/۰۰۰
	دسترسی به کتابخانه، روزنامه و نشریات	۲۸۹/۳۷	۲۱۲/۶۲	۰/۰۰۰
بازرستی فردی و اجتماعی	کیفیت مسکن از نظر مصالح و تجهیزات	۳۰۶/۱۴	۲۰۱/۶۲	۰/۰۰۰
	امنیت در برابر مخاطرات محیطی	۲۷۱/۴۰	۲۲۴/۳۹	۰/۰۰۰
	سامانه مناسب جمع‌آوری و دفع زباله	۳۱۱/۴۴	۱۹۸/۱۵	۰/۰۰۰
	پیش‌بینی فضای مخصوص برای دفع زباله	۲۸۷/۸۲	۲۱۳/۶۳	۰/۰۰۰
گردشگری	سامانه تخلیه بهداشتی فاضلاب	۲۵۳/۳۳	۲۳۶/۲۳	۰/۱۴۶
	امکانات و زیرساخت‌های گردشگری	۳۱۶/۵۸	۱۹۴/۷۸	۰/۰۰۰
	جریان گردشگری (رفت و آمد گردشگران)	۳۲۰/۵۵	۱۹۲/۱۸	۰/۰۰۰
	ساخت خانه‌های بیلاقی (دوم) به وسیله گردشگران و شهرنشینان	۳۲۱/۷۲	۱۹۱/۴۲	۰/۰۰۰
منظر	عدم تغییر سطح اراضی زیر کشت کشاورزی	۲۵۴/۸۱	۲۳۵/۲۶	۰/۱۱۳
	جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی	۲۷۲/۱۴	۲۲۳/۹۰	۰/۰۰۰
	وضعیت آلودگی زیست محیطی	۲۹۷/۲۸	۲۰۷/۴۳	۰/۰۰۰
	حفظ زیستگاه‌های جانوری و حیات وحش	۲۹۴/۴۹	۲۰۹/۲۶	۰/۰۰۰
	حفظ گونه‌های گیاهی	۲۷۷/۷۶	۲۲۰/۲۳	۰/۰۰۰
	کیفیت مراتع	۲۶۴/۷۱	۲۲۸/۷۷	۰/۰۰۴
	تثبیت وضعیت مناسب برای خاک و جلوگیری از فرسایش آن	۲۷۰/۰۲	۲۲۵/۳۰	۰/۰۰۰
	کیفیت منظر و چشم انداز	۲۶۲/۴۳	۲۳۰/۲۷	۰/۰۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر با نگرش منطقه‌ای انجام شده، برای آزمون فرضیات پس از تلفیق داده‌های دو گروه و با ترکیب کردن نمره‌های به دست آمده، از آزمون t مستقل استفاده شده است. برای این منظور ابتدا تمامی مؤلفه‌های هر بعد و سپس خود بعد مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

همان‌طور که جداول ۱ و ۷ نشان می‌دهند در هر یک از مؤلفه‌های مربوط به ابعاد اقتصادی، میانگین به دست آمده پایین‌تر از میانگین نظری و میانگین کلی پاسخ‌ها نیز پایین‌تر از حد متوسط است. بنابراین، می‌توان گفت که ارتقای دیلمان به شهر در رونق مؤلفه‌های ابعاد اقتصادی در منطقه تأثیر چندانی نداشته است.

در نهایت با بررسی میانگین نهایی (بعد اقتصادی) که تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را دربرمی‌گیرد، سطح معنی‌داری محاسبه‌شده کمتر از $0/05$ و حاکی از وجود ارتباط معنی‌دار بین تبدیل دیلمان به شهر و ابعاد اقتصادی است، لیکن میانگین به دست آمده ($49/99$) پایین‌تر از میانگین نظری یعنی 72 است. همچنین، میانگین پاسخ‌ها در طیف پنج‌گزینه‌ای معادل 2 است که به نوعی پایین بودن تأثیر اقتصادی شهر دیلمان در سطح منطقه را نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان بیان داشت که تبدیل دیلمان به شهر موجب رونق اقتصادی در سطح منطقه مورد مطالعه نشده است.

جدول ۷. نتایج آزمون t برای بررسی تأثیر ارتقای دیلمان به شهر در رونق اقتصادی منطقه

مؤلفه‌ها	ارزش t	میانگین تفاوت‌ها	مقدار t	سطح معنی‌داری (درصد)	درجه آزادی	میانگین
اشتغال	۱۲	-۵/۸۵۱۵۵	-۵۹/۰۴۷	۰/۰۰۰	۴۸۴	۶/۱۴۸۵
درآمد	۱۲	-۳/۷۲۵۷۷	-۳۶/۳۱۷	۰/۰۰۰	۴۸۴	۸/۲۷۴۲
تعاملات اقتصادی	۱۲	-۲/۶۶۵۹۸	-۲۲/۳۶۴	۰/۰۰۰	۴۸۴	۹/۳۳۴۰
بازار زمین و مسکن	۲۱	-۳/۵۴۸۴۵	-۱۶/۹۴۳	۰/۰۰۰	۴۸۴	۱۷/۴۵۱۵
امکانات تولیدی و تجاری	۱۵	-۶/۲۱۸۵۶	-۴۵/۶۹۸	۰/۰۰۰	۴۸۴	۸/۷۸۱۴
میانگین نهایی	۷۲	-۲۲/۰۱۰	۴۶/۸۶۷	۰/۰۰۰	۴۸۴	۴۹/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

در خصوص مؤثر بودن ارتقای روستا به شهر در بهبود و ارتقای شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی در سطح منطقه مورد مطالعه، بررسی جداول ۲ و ۸ مشخص می‌سازد که در مؤلفه‌های خدماتی، تعلق مکانی، قانونمندی و کیفیت زندگی میانگین به دست آمده پایین‌تر از میانگین نظری و میانگین کلی پاسخ‌ها نیز پایین‌تر از حد متوسط است. بنابراین، می‌توان گفت که تبدیل دیلمان به شهر در بهبود و ارتقای این مؤلفه‌ها در منطقه تأثیر چندانی نداشته است. در مؤلفه‌های تعامل اجتماعی و نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی، مقایسه میانگین حاصل از آزمون t با میانگین نظری نشان می‌دهد که تبدیل دیلمان به شهر تا حدی در بهبود این مؤلفه‌ها تأثیر داشته است. سطح معنی‌داری حاصل از آزمون این مؤلفه‌ها، به همراه میانگین متوسط در طیف پاسخ‌ها نیز این موضوع را تأیید می‌کند. افزایش ارتباطات و تعاملات بین شهر و روستا بیشترین تأثیر را در بهبود وضعیت مؤلفه‌های تعامل اجتماعی و نگرش و هنجارهای اجتماعی داشته است.

جدول ۸. نتایج آزمون t برای بررسی تأثیر ارتقای دیلمان به شهر در بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی منطقه

مؤلفه‌ها	ارزش t	میانگین تفاوت‌ها	مقدار t	سطح معنی‌داری (درصد)	درجه آزادی	میانگین
خدماتی	۱۸	-۳/۰۶۱۸۶	-۱۶/۲۰۷	۰/۰۰۰	۴۸۴	۱۴/۹۳۸۱
تعلق مکانی	۱۵	-۳/۶۳۹۱۸	-۲۶/۶۴۸	۰/۰۰۰	۴۸۴	۱۱/۳۶۰۸
تعامل اجتماعی	۹	-۰/۰۰۲۰۶	-۰/۰۱۹	۰/۹۸۵	۴۸۴	۸/۹۹۷۹
نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۲۱	۰/۰۹۴۸۵	۰/۳۹۹	۰/۶۹۰	۴۸۴	۲۱/۰۹۴۸
قانونمندی	۹	-۲/۳۶۴۹۵	-۲۶/۰۵۲	۰/۰۰۰	۴۸۴	۶/۶۳۵۱
کیفیت زندگی	۳۰	-۵/۸۲۰۶۲	-۲۱/۸۸۹	۰/۰۰۰	۴۸۴	۲۴/۱۷۹۴
میانگین نهایی	۱۰۲	-۱۴/۷۹۴	-۱۸/۲۸۳	۰/۰۰۰	۴۸۴	۸۷/۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش

در بررسی تمام مؤلفه‌ها (میانگین نهایی) می‌توان گفت که سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای ابعاد اجتماعی- فرهنگی با سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان از وجود ارتباط معنی‌دار بین تبدیل دیلمان به شهر و ابعاد اجتماعی- فرهنگی دارد. میانگین آزمون t یعنی $۸۷/۲۱$ از میانگین نظری محاسبه‌شده که برابر با ۱۰۲ است، پایین‌تر و میانگین پاسخ‌ها نیز $۲/۶$ است که نشان می‌دهد پاسخ‌ها پایین‌تر از متوسط هستند. بنابراین می‌توان گفت که ارتقای دیلمان به شهر موجب بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی در سطح منطقه مورد مطالعه نشده است.

برای بررسی تأثیرگذاری تبدیل روستا به شهر در ارتقای وضعیت کالبدی- محیطی در سطح منطقه مورد مطالعه، مؤلفه‌های مرتبط مورد توجه و بررسی قرار گرفت (جدول ۳ و ۹). در هر یک از مؤلفه‌های مربوط به ابعاد کالبدی- محیطی، میانگین به دست آمده پایین‌تر از میانگین نظری و میانگین کلی پاسخ‌ها نیز پایین‌تر از حد متوسط است. بنابراین، می‌توان گفت که تبدیل دیلمان به شهر در رونق مؤلفه‌های ابعاد کالبدی- محیطی در منطقه تأثیر چندانی نداشته است.

جدول ۹. نتایج آزمون t برای بررسی تأثیر ارتقای دیلمان به شهر

در بهبود شاخص‌های کالبدی- محیطی منطقه

مؤلفه‌ها	ارزش t	میانگین تفاوت‌ها	مقدار t	سطح معنی‌داری (درصد)	درجه آزادی	میانگین
ارتباطات	۲۴	-۴/۸۷۲۱۶	-۲۰/۰۹۰	۰/۰۰۰	۴۸۴	۱۹/۱۲۷۸
به‌زیستی فردی و اجتماعی	۱۵	-۴/۳۳۴۰۲	-۲۷/۹۳۱	۰/۰۰۰	۴۸۴	۱۰/۶۶۶۰
گردشگری	۹	-۱/۶۶۸۰۴	-۱۳/۴۱۴	۰/۰۰۰	۴۸۴	۷/۳۳۲۰
منظر	۲۴	-۳/۸۳۵۰۵	-۱۴/۴۰۱	۰/۰۰۰	۴۸۴	۲۰/۱۶۴۹
میانگین نهایی	۷۲	-۱۴/۷۰۹	-۲۲/۲۴۹	۰/۰۰۰	۴۸۴	۵۷/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

در بررسی تمام مؤلفه‌ها، سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای ابعاد کالبدی- محیطی کمتر از ۰/۰۵ است که نشان از وجود ارتباط معنی‌دار بین ارتقای دیلمان به شهر و ابعاد کالبدی- محیطی دارد. در عین حال، پایین‌تر بودن میانگین آزمون t یعنی ۵۷/۲۹ از میانگین نظری محاسبه‌شده که برابر با ۷۲ است و نیز میانگین متوسط به پایین ۲/۴ در پاسخ‌های ابعاد کالبدی- محیطی، نشان می‌دهد که تبدیل دیلمان به شهر در ارتقای وضعیت کالبدی- محیطی در سطح منطقه مورد مطالعه تأثیر چندانی نداشته است.

نتیجه‌گیری

در مطالعه موردی، سه نقش مهمی که شهرها به طور معمول براساس مبانی نظری و دیدگاه‌های کارشناسان در منطقه‌شان ایفا می‌کند، مورد آزمون و سنجش قرار گرفته است. نتایج این آزمون و سنجش، بر عدم موفقیت سیاست ارتقای روستا به شهر در توسعه منطقه مطالعاتی دلالت دارد. مشاهدات میدانی و مصاحبه با مطلعان -به‌ویژه اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا- بر این نتایج صحه می‌گذارد. شهر دیلمان در نخستین کارکرد -یعنی رونق اقتصادی- عملکرد ضعیفی داشته است. نتایج حاصل از این پژوهش در بخش اقتصادی با مطالعات افرادی چون باجراچاریا در نپال (۱۹۹۴)، ایوانز در کنیا (۱۹۹۲)، کوندو و سارنگی در هند (۲۰۰۵) و سرایی و اسکندری ثانی در ایران (۱۳۸۶) انطباق دارد. پژوهشگران مذکور در پژوهش‌های‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که رونق اقتصادی -به‌ویژه در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد- در شهرهای کوچک به علت فقدان سرمایه‌گذاری صنعتی و فعالیت‌های غیرکشاورزی، وجود ندارد.

در خصوص نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی در منطقه مطالعاتی می‌توان گفت که دیلمان عملکرد ضعیفی داشته است. انطباق نتایج حاصل در این بخش با یافته‌های پژوهشگرانی چون باجراچاریا در نپال (۱۹۹۵)، ایزدی خرامه در ایران (۱۳۸۰) و سرایی و اسکندری ثانی در ایران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که شهرهای کوچک در بهبود ابعاد اجتماعی- فرهنگی، به‌ویژه در زمینه تعلق مکانی، با توجه به وجود مشکلات

اقتصادی توفیق چندانی نداشته‌اند. البته برخلاف نتایج این پژوهش، از نظر باجراچاریا، راندینلی و ایزدی خرامه این شهرها در بهبود کارکردهای خدماتی، به عنوان یکی از مؤلفه‌های بعد اجتماعی- فرهنگی، موفق عمل کرده‌اند.

در مورد نقش شهر در بهبود وضعیت کالبدی- محیطی نیز می‌توان گفت که شهر دیلمان تأثیر چندانی در این زمینه نداشته است. البته در زمینه نقش شهرهای کوچک در بهبود وضعیت کالبدی- محیطی پژوهش چندانی انجام نشده است و تنها رضوانی و همکاران (۱۳۸۶) به نقش مثبت شهر رونیز (شهرستان استهبان) در بخش خدمات‌رسانی و در نتیجه افزایش رفت و آمد روستاییان به این شهر و ایزدی خرامه (۱۳۸۰) به تأثیر مثبت ارتقای روستا به شهر در ابعاد کالبدی از دیدگاه مسئولان محلی و اعضای شورای اسلامی شهرها اشاره کرده‌اند. چاتوپادپای در هند (۲۰۰۸) به فقدان زیرساخت‌ها و خدمات اساسی در شهرهای کوچک هند و نقش آن در عدم دستیابی به توسعه پایدار اشاره دارد.

در مجموع، می‌توان گفت که اغلب تحقیقاتی که در مورد تأثیر ارتقای روستا به شهر و نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی و منطقه‌ای در مناطق کوهستانی انجام شده‌اند، بر عدم موفقیت آن‌ها اذعان دارند؛ از جمله پژوهش‌های باجراچاریا در مناطق کوهستانی نپال (۱۹۹۴) و سرایی و اسکندری ثانی در منطقه کوهستانی شهرستان کاشمر ایران (۱۳۸۶).

میانگین رتبه‌ها در آزمون مان - ویتنی شدت تفاوت در نگرش دو گروه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- محیطی را نشان می‌دهد و به کمک آن می‌توان پی برد که تأثیرات ارتقای روستا به شهر در شهر دیلمان بیشتر از روستاهای پس‌کرانه آن بوده است.

با توجه به نتایج این پژوهش، دیدگاه میانه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نظر طرفداران آن، از جمله هیندرینک و تیتوس (۲۰۰۲)، ساترثوایت و تاکولی (۲۰۰۳) و تاکولی (۲۰۰۶) در مورد تعمیم ندادن نقش مثبت این شهرها و نوشدارو نبودن آن‌ها در رفع مشکلات، تأیید می‌شود. بنابراین، در منطقه مطالعاتی، سیاست ارتقای روستا به شهر با الگوی راهبرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی تطابق ندارد و چه بسا بهتر باشد این سیاست معطوف به رویکرد شبکه

منطقه‌ای گردد. رویکرد شبکه منطقه‌ای با توجه به مواردی چون مکمل بودن فرایند توسعه روستایی و شهری، وجود پیوندهای نظام‌وار و دوسویه بین شهر و روستا، وجود شبکه‌ای محلی و دارای ارتباطاتی با درجات متفاوت در طول منطقه و نیز در تعامل با خارج از منطقه، و توجه به تقسیمات کشوری به عنوان سطوح برنامه‌ریزی، می‌تواند مبنای نظری خوبی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای باشد. لازم به یادآوری است که عدم توفیق تبدیل روستا به شهر در دستیابی به اهداف موردنظر در منطقه مطالعاتی، نافی اصل سیاست تبدیل روستا به شهر نیست، زیرا افزایش جمعیت برخی از روستاها و دستیابی آن‌ها به شرایط نقاط شهری، تبدیل آن‌ها را به شهر اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. لازم است که به سکونتگاه انسانی به عنوان پدیده‌ای چندبعدی و پویا نگریسته شود و تبدیل سکونتگاه با توجه به مجموعه عوامل و تحول آن‌ها در بستر زمان و مکان صورت گیرد. استفاده از متغیرهایی چون نرخ رشد جمعیت، بافت جمعیتی، ساختار جمعیتی، گروه‌های سنی تشکیل‌دهنده جمعیت، ویژگی‌های قومی- فرهنگی، جمعیت سکونتگاه‌های شهری و روستایی مجاور، بافت فیزیکی روستا، میزان تراکم خالص و ناخالص در روستا، الگوی کاربری اراضی در روستا، وضعیت اشتغال و بیکاری، قیمت زمین، فاصله با شهرها و روستاهای بزرگ مجاور، وجود سیمای شهری، الگوی ساخت خانه‌ها، بهره‌مندی از تأسیسات و خدمات زیربنایی و دسترسی به راه ارتباطی مناسب و مانند اینها می‌تواند در تدوین ملاک‌ها و معیارهای ارتقای روستا به شهر مدنظر قرار گیرد. این ملاک‌ها و معیارها باید انعطاف‌پذیر و براساس شرایط و گرایش‌های منطقه‌ای باشند.

منابع

- آمار، تیمور، ۱۳۸۶، جمعیت و شهرنشینی در استان گیلان: یک بررسی جغرافیایی، فصل‌نامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص. ۲۲-۵.
- ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، نقش تبدیل روستا به شهر در توسعه روستایی مورد: استان فارس، رساله دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، گلی، علی و اکبریان رونیزی، سعیدرضا، ۱۳۸۶، نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه، مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص. ۵۸-۴۵.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره اول، قطب علمی مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، صص. ۶۵-۳۳.
- رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۶۹، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی: جغرافیا، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۷۰، توان‌های محیطی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۸۸، دولت و شهرنشینی در ایران، مجموعه مقالات گنجینه خاموش، یادمان دکتر یدالله فرید، انتشارات نعمتی، تبریز، صص. ۲۱۲-۱۸۹.
- سرایبی، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد، ۱۳۸۶، تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص. ۱۸۲-۱۶۵.
- ضیاءتوانا، محمدحسن و امیرانتخابی، شهرام، ۱۳۸۶، روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، صص ۱۲۸-۱۰۷.
- گلی، علی و عسگری، علی، ۱۳۸۵، کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر: استان تهران، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، ۱۰ (پیاپی ۴۵)، ویژه‌نامه جغرافیا، صص. ۱۵۹-۱۳۹.

بهرام کریمی و همکاران ————— ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از ...

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰، سالنامه آماری، تهران.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵-۱۳۳۵، تهران.

نوری، هدایت‌الله، حسینی ابری، سیدحسن و خادمی، حسین، ۱۳۸۸، نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونت‌گاهی استان یزد، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، صص. ۶۱-۷۷.

Bajracharya, Bhishna, N., ۱۹۹۵, **Promoting Small Towns for Rural Development: A View from Nepal**, Asia-Pacific Population Journal, Vol. ۱۰, No. ۲, PP. ۲۷-۵۰.

Baker, Johnathan and Claeson, F. Claes, ۱۹۹۰, **Introduction in Small Town Africa, Studies in rural-urban interaction**, The Scandinavian Institute of African Studies, Uppsala.

Bloh, Hannah, V., ۲۰۰۸, **Small Towns as Interfaces for Interaction, Exchange and Transition in Vietnam**, Institute of Southeast Asian Studies II, University of Passau, Germany.

Chattopadhyay, Basudha, ۲۰۰۸, **Public Policy and Sustainable Development of Small Towns in India: A Review**, National Institute of Urban Affairs, New Delhi.

Hinderink, J. and, Titus, M, ۲۰۰۲, **Small Towns and Regional Development: Major Findings**, Urban Studies, Vol. ۳۹, No. ۳, PP. ۳۷۹-۳۹۱.

Kundu, A. and Sarangi, N., ۲۰۰۵, **Employment Guarantee: Issue of Urban Exclusion**, Economic and Political Weekly, August ۱۳, PP. ۳۲۴-۳۴۶.

OWUSU, George, ۲۰۰۵, **The Role of District Capitals in Regional Development: Linking Small Towns, Rural-urban Linkages and Decentralization in Ghana**, Ph.D. Thesis, Department of Geography, Faculty of Social Sciences and Technology Management, Norwegian University of Science and Technology, NTNU, Trondheim.

Pedersen, O., Poul, ۱۹۹۰, **The Role of Small Rural Towns in Development**, in

Small Town Africa, Studies in Rural-Urban Interaction, Edited by Jonathan Baker, The Scandinavian Institute of African Studies, Uppsala.

Satterthwaite, David and Tacoli, Cecilia, ۲۰۰۳, **The Role of Small and Intermediate Urban Centers in Rural and Regional Development and Poverty Reduction**, International Institute for Environment and Development.

Southall, A., ۱۹۸۸, **Small Towns in Africa Revisited**, African Studies Review, Special Issue, Vol. ۳۱, No. ۳.

Tacoli, Cecilia, ۱۹۹۸, **Rural-Urban Interaction: A Guide to the Literature**, in Environment and Urbanization, Vol. ۱۰, No. ۱, PP. ۱۴۷-۱۶۶.

Tacoli, Cecilia, ۲۰۰۶, **Rural-Urban Linkages Research and Initiative: Lessons and Key Issues from International Experiences**, in Fostering New development Pathways: Harnessing Rural-Urban linkages to reduce Poverty and improve Environment in the Highlands of Ethiopia, Proceeding of a Planning Workshop on Thematic Research Area of the Global Mountain Program (GMP) held in Addis Ababa, Ethiopia, August ۲۹-۳۰, PP. ۴۵-۵۵.